



The Relationship between Sustainable Cultural Development and Sustainable Legal Security

Ali Faghih-Habibi

* Associate Professor of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran
faghih.habibi@gmail.com

Keyvan Sedaghati

Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
keyvan.sedaghati@gmail.com

Rasul Falah-Zargaran

PhD student in Public Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
rasoolfallah87@gmail.com

Received: 2023/12/13

Accepted: 2024/03/09

DOI:

10.22034/JPCS.2024.1277353.1289



ABSTRACT

One of the important steps of cultural development is the effective protection of individual rights and freedoms, which is not possible in any legal system without legal security. People should be aware of their rights and duties and be able to predict the results of legal actions. At this stage, the principle of legal security is proposed as a dynamic principle that undermines the stability of the legal system; Therefore, the purpose of the present research by a descriptive-analytical method is to explain the place of sustainable cultural development in order to achieve sustainable legal security. The results of this research indicate that the more precise and accurate understanding of sustainable cultural development and ultimately achieving sustainable legal security is of undeniable necessity and importance. Cultural development, contrary to the intellectual foundations of the West in the world, which is a way for Western capitalism to dominate humanity, seeks to take advantage of the effective external consequences of development with an Islamic, internal, and local approach to gain a deep understanding of national and local beliefs and values of the society's culture so that it can take a step towards the globalization of its culture. In addition, cultural development based on revealed teachings can play a role in the society and influence the realization of legal security.

Keywords: sustainable cultural development, local and national values, sustainable legal security.

► **Citation (Vancouver):** Faghih-Habibi A, Sedaghati K, Falah-Zargaran R. The Relationship between Sustainable Cultural Development and Sustainable Legal Security. *Police Cultural Studies*, 2024; 1(1): 43-58.

► **Citation (APA):** Faghih-Habibi, A., Sedaghati, K., Falah-Zargaran, R. (2024) The Relationship between Sustainable Cultural Development and Sustainable Legal Security. *Police Cultural Studies*, 11(1), 43-58.

رابطه توسعه فرهنگی پایدار و امنیت حقوقی پایدار

چکیده

یکی از گام‌های مهم توسعه فرهنگی، حمایت مؤثر از حقوق و آزادی‌های فردی است که این مهم در هیچ نظام حقوقی بدون امنیت قانونی امکان‌پذیر نیست. مردم باید نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و بتوانند نتیجه اعمال حقوقی را پیش‌بینی کنند. در این مرحله، اصل امنیت حقوقی به‌عنوان یک اصل پویا مطرح می‌شود که ایستایی نظام حقوقی را خدشه‌دار می‌کند؛ از این‌رو، هدف از انجام پژوهش حاضر به‌شیوه توصیفی-تحلیلی، تبیین جایگاه توسعه فرهنگی پایدار جهت نیل به امنیت حقوقی پایدار است. نتایج این پژوهش گویای آن است که شناخت هرچه دقیق‌تر و درست‌تر توسعه فرهنگی پایدار و درنهایت رسیدن به امنیت حقوقی پایدار، از ضرورت و اهمیتی انکارناپذیر برخوردار است. توسعه فرهنگی در پی آن است تا برخلاف مبانی فکری غرب در جهان که راهی برای سلطه سرمایه‌داری غرب بر بشریت است، با رویکردی اسلامی، درونی و بومی به بهره‌مندی از پیامدهای مؤثر بیرونی توسعه بپردازد و به شناخت عمیقی از باورها و ارزش‌های ملی و محلی فرهنگ جامعه دست یابد تا بتواند گامی در جهت جهانی کردن فرهنگ خود بردارد. علاوه بر این، توسعه فرهنگی مبتنی بر تعالیم و حیانی می‌تواند در جامعه ایفای نقش کند و بر تحقق امنیت حقوقی تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: توسعه فرهنگی پایدار، ارزش‌های بومی و ملی، امنیت حقوقی پایدار.

علی فقیه حبیبی

*دانشیار حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

faghih.habibi@gmail.com

کیوان صدقاتی

استادیار حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

keyvan.sedaghati@gmail.com

رسول فلاح زرگران

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

rasoofallah87@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۵۸-۴۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

شناسه دیجیتال (DOI):

1.22034/JPCS.2024.1277353.1289

◀ **استناد (ونکوور):** فقیه حبیبی، ع، صدقاتی، ک، فلاح زرگران، ر. رابطه توسعه فرهنگی پایدار و امنیت حقوقی پایدار. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۴۰۳؛ ۱۱(۱): ۴۳-۵۸.

◀ **استناد (APA):** فقیه حبیبی، ع، صدقاتی، ک، فلاح زرگران، ر. (۱۴۰۳). رابطه توسعه فرهنگی پایدار و امنیت حقوقی پایدار. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۱(۱)، ۴۳-۵۸.

فرهنگ، مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی یک گروه مردم است که در تاریخ، زبان، هنر، فلسفه، مذهب، سیاست، اقتصاد، موسیقی، غذا و لباس آن‌ها نمود پیدا می‌کند. این بستر اصلی یک جامعه است که جزء اساسی توسعه پایدار به‌شمار می‌رود (آمالو^۱، ۲۰۲۳: ۳). گنجاندن فرهنگ در توسعه به دهه جهانی توسعه فرهنگی (۱۹۸۸-۱۹۹۷) برمی‌گردد که در سال ۱۹۸۸ راه‌اندازی شد. عقیده کلیدی آن تشویق سیاست‌گذاران و بازیگران اجتماعی در همه سطوح بود تا اصول را در خود بگنجانند (یونسکو، ۱۹۹۰). همچنین، گزارش سال ۱۹۹۶ کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه با عنوان «تنوع خلاق ما» که فرهنگ را به‌عنوان اولویت توسعه معرفی می‌کرد، گویای نقش مهم فرهنگ در توسعه بود. اخیراً سه قطعنامه وجود دارد که پیوند فرهنگ و توسعه را نشان می‌دهد که شامل قطعنامه شماره ۱/۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۱۰)، شماره ۱۶۶/۶۵ (۲۰۱۱) و شماره ۲۰۸/۶۶ (۲۰۱۲) است که محتوای هر دو پیرامون فرهنگ و توسعه است (یونسکو، ۲۰۱۳).

این قطعنامه‌ها جایگاه فرهنگ را در دستیابی به توسعه ملی به‌وضوح مشخص می‌کنند. به‌علاوه، سی‌وهفتمین همایش عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۳، راه‌کار میان‌مدت برای دوره ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱ را به تصویب رساند که برای بخش فرهنگ بر موضوع «ساخت صلح و توسعه پایدار از طریق میراث و تنوع فرهنگی» تمرکز دارد (یونسکو، ۲۰۱۳). این همایش با هدف حفاظت، ترویج و انتقال سنت و آداب و رسوم، یک تعهد کلیدی برای کشورهای عضو یونسکو برای دوره تحت بررسی بود که برای پرورش اصالت و تعدد مظاهر فرهنگی نیز برنامه‌هایی را تدوین کرده است (آمالو، ۲۰۲۳: ۴).

آنچه از قوانین بین‌المللی برمی‌آید آن است که در این قوانین، بر جنبه‌های فرهنگی توسعه تأکید شده است.

ازسوی دیگر، همایش جهانی یونسکو پژوهشی در مورد سیاست‌های فرهنگی و توسعه پایدار^۲ و نقش آن در امنیت را در سال ۲۰۲۲ انجام داد که در آن زمینه سیاست‌های فرهنگی، توسعه پایدار و امنیت از طریق تحقیقات دانشگاهی و تجربیات عملی به‌وسیله مردم جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت (گیسمن^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). در این راستا، باید اظهار داشت که توسعه فرهنگی پایدار می‌تواند به حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان بپردازد. برای نیل به این هدف، باید زمینه این حقوق و آزادی‌ها فراهم شود و تا زمانی که این زمینه به‌طور کامل فراهم و به‌صورت مؤثر تضمین و محافظت نشود، نمی‌توان اظهار داشت که حمایت مؤثر از حقوق و آزادی‌ها و حقوق بشر به‌صورت کلی محقق شده است و لوازم این امر را می‌توان در دولت حقوقی جستجو کرد. در این مرحله، اصل امنیت حقوقی به‌عنوان اصلی فعال و پویا که انفعال نظام حقوقی را از بین می‌برد، بروز و ظهور پیدا می‌کند و این اصل باعث توسعه و گسترش نظام حقوقی خواهد شد و هدف غائی حقوق است (ویدلاک^۴، ۲۰۱۵: ۵۸).

امنیت حقوقی مانند سایر هنجارهای حقوقی به‌دنبال تحقق امنیت و عدالت است و با ارائه یک نظام حقوقی منسجم برای شهروندان امنیت روانی ایجاد می‌کند. با تحقق اصل امنیت قضایی به‌عنوان عنصر فرعی، اصل امنیت حقوقی به تحقق عدالت در جامعه کمک خواهد نمود. اصل امنیت حقوقی در زمره حقوق عمومی قرار دارد و یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر نظام حقوقی هر کشور و یکی از مؤلفه‌های مهم دولت حقوقی است؛ به‌صورتی که غایت و آرمان دولت حقوقی را حمایت و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان بدانیم. اصل امنیت حقوقی به‌عنوان اصلی پویا که ایستایی نظام حقوقی را از میان می‌برد، مطرح می‌شود (اردکانی و جعفری، ۱۴۰۲: ۳).

3- Giessman
4- Widlak

1- Amalu
2- UNESCO World Conference on Cultural Policies and Sustainable Development

سید، نورمگز، مگ ایران، سید و سیویلیکا با استفاده از موتور جست‌وجوی گوگل^۱ و یاهو^۲ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

۱. پیوند فرهنگ و توسعه پایدار

توسعه پایدار تقریباً یک معنای ضمنی و صرفاً زیست‌محیطی سازمان‌یافته ندارد. بلکه، سازمان ملل در یک رشته همایش‌ها و اجلاس‌هایی که ترتیب داده بود، در آن عبارتی نظیر "توسعه پایدار زیست‌محیطی"، "توسعه پایدار اجتماعی"، "توسعه پایدار فرهنگی"، "توسعه پایدار کشاورزی"، "توسعه پایدار اقتصادی" و "توسعه پایدار سیاسی" را به‌کار برده شده است. این عبارت منعکس‌کننده یک نوع تقسیم‌بندی سامان‌دهی شده به وسیله سازمان ملل و ساختارهای دولتی و دانشگاهی آن است که در جهان واقعی و در عمل هیچ بار معنایی ندارد. تنها یک توسعه سالم وجود دارد و آن هم توسعه‌ای است که بیش از هر چیزی بر رشد اقتصادی و رقابت بین‌المللی مبتنی باشد و این توسعه هرگز پایدار نخواهد ماند، مگر آن‌که تمام مؤلفه‌های آن، عادلانه محاسبه شوند. توسعه پایدار از منطقی کارآمد برخوردار خواهد بود که پنج بعد آن (اقتصاد، محیط زیست، اجتماع، فرهنگ و سیاست) در ارتباط متقابل با هم مورد بحث و توجه قرار می‌گیرند (کربلایی حسینی غیاثوند و منتظر، ۱۳۹۶: ۱۱۸). با توجه به ضرورت و اهمیت توسعه پایدار که امروز به‌عنوان یک الگوی مناسب برای دهه‌های اخیر و آتی ظاهر گشته است، برخی از صاحب‌نظران از آن تعریف‌های متعددی ارائه داده‌اند که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

برخی معتقدند که توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را فراهم کند، بدون این‌که توانایی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد (کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۸۷). این تعریف شامل دو مفهوم اصلی است:

در زمینه توسعه فرهنگی پایدار و امنیت حقوقی پایدار پژوهش‌هایی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. فتاحی اردکانی (۱۴۰۲) اظهار می‌دارند که فرهنگ هر جامعه یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توسعه بوده و توسعه‌ای که با عناصر و هنجارهای فرهنگی هر جامعه همراه باشد، متوازن و پایدار خواهد بود. بهزادی و همکاران (۱۴۰۱) می‌نویسند که شاخص دینی و مذهبی اولویت اول و شاخص‌های ملی و بومی، پوشش، سبک زندگی، سلامت، پژوهش، تکنولوژی و ارتباطات، نرخ ناسازگاری اولویت دوم تا هشتم بوده است. به‌همین صورت، فرهادی و همکاران (۱۴۰۰) در معتقدند که بین شاخص کل توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه که داعش از میان آن‌ها عضوگیری نموده است، تفاوت معناداری در سطح خطای ۰/۰۱ مشاهده شده است. به‌علاوه، موسوی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) اظهار می‌دارند که وجود منشور ملل متحد، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و نقش تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری نشانه وجود امنیت حقوقی نسبی در حوزه ماهوی و قهری، ساختاری است. این پژوهش می‌کوشد تا به این اصل برسد که «چگونه توسعه فرهنگی پایدار، باعث توسعه امنیت حقوقی پایدار می‌شود؟».

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. به این ترتیب که بعد از مطالعه متون و منابع معتبر مربوط، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته‌ایم. جهت جست‌وجوی منابع در پایگاه‌های خارجی، از جمله PubMed, Elsevier, Eric, Research Gate, Science direct از کلیدواژه‌های cultural development, sustainable development, legal security, sustainable security استفاده شد و کلیدواژه‌های مشابه در پایگاه‌های داخلی همچون ایرانداک،

1- www-google-com

2- www-yahoo-com

تمامی گونه‌های حیات بر روی کره زمین را در طول تاریخ، تقویت و تداوم می‌بخشد.

۴- بانک جهانی، توسعه پایدار را چنین تعریف می‌نماید: توسعه‌ای که دوام یابد. لمن و ککس^۱ نیز توسعه پایدار را روندی برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری به سوی عدالت اجتماعی می‌دانند و در جهت آلودگی اکوسیستم و تخریب منابع طبیعی نباشد.

۷- ولفگانگ زاگس معتقد است که توسعه بدون پایداری و پایداری بدون توسعه مفهومی نخواهد داشت.

۸- مطابق با مدرسان در توسعه تحصیلی^۲، توسعه پایدار طیفی از مسائل مرتبط با هم را که ممکن است از طریق ۷ اصل یا بعد زیر به یکدیگر نزدیک شوند، مورد توجه قرار می‌دهد. دغدغه اول مربوط به ماهیت وابسته جهان است که خود منجر به ایجاد سطحی از روش‌های مشارکتی از طریق تجربه شهروندمداری و نظارت شهروندی می‌شود که خود موضوع مفهوم دوم است. مفهوم سوم تا ششم دربردارنده ابعاد کلیدی دیگر توسعه پایدار است که به بعد هفتم توسعه پایدار منجر می‌شود. نمودار زیر نشان‌دهنده ۷ بعد اصلی توسعه پایدار است (فتاحی اردکانی، ۱۴۰۲: ۳-۴).

۱- مفهوم نیاز، بویژه نیازهای اساسی فقرا اولویت درجه یک را دارد و ۲- توسعه پایدار دربرگیرنده نظریه محدودیت‌هایی است که به وسیله وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تحمیل می‌شود. این امر به نوبه خود حاکی از آن است که اهداف توسعه پایدار باید در هر کشوری به طور عملیاتی و خاص آن کشور تعریف شود. با این وصف می‌توان اظهار داشت که توسعه پایدار به معنای حفظ تعادل میان نیازهای بشر و ارتقای شیوه زیست و حس رفاه زیست از یک سو و از سوی دیگر، حفاظت از منابع طبیعی و اکوسیستم‌های متعددی که ما و نسل آینده به آن وابسته است.

۲- عده‌ای دیگر با لحاظ کردن مفهوم عدالت، توسعه پایدار را مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی قلمداد کرده‌اند که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی جهانیان و نه برای تعداد اندکی از افراد برگزیده به‌ارمغان می‌آورد و همچنین این رشد بدون پیامدهای مخرب و نه بیش از ظرفیت منابع محدود جهان است.

۳- تعریفی با نگرش وسیع‌تر، توسعه پایدار را به این گونه تعریف می‌کند: نوعی فعالیت انسانی که آشکارا بقای

جدول ۱- ابعاد هفت‌گانه توسعه پایدار

۱	ماهیت وابسته	درک این مسأله که چگونه مردم، محیط زیست و اقتصاد به طور وابسته در تمام سطوح محلی یا جهانی با هم مرتبط هستند.
۲	نظارت و شهروندمداری	حس مسئولیت‌پذیری برای اعمال فردی و گروهی و آگاهی آنان که مؤثر بر محیط زیست و جوامع انسانی در سطوح محلی و جهانی است.
۳	نیازها، حقوق و نسل آینده	درک میزان ارتقاء یا به‌خطر افتادن کیفیت زیست نسل‌های آینده در نتیجه اقدامات عصر حاضر است.
۴	تنوع	تنوع انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و همچنین زیستی است
۵	عینیت زیست	درک اینکه چرا عدالت و تساوی حقوق برای پایداری ضروری است و این نیازهای اصلی در هر سطحی ضروری است.
۶	تغییرات پایدار	درک این موضوع که منابع جهانی متناهی بوده و این منابع برای شرایط زیست و اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تمامی نسل‌ها ضروری است.
۷	عدم اطمینان و احتیاط در عمل	طیفی از رویکردهای ممکن برای دستیابی به پایداری وجود دارد، اما شرایط به طور پیوسته در حال تغییر است که این مبین نیاز به وجود تفکری انتقادی برای یادگیری مادام‌العمر است.

براساس جدول بالا، سیاست‌های توسعه پایدار را بر پایه چهار رکن اصلی می‌دانند:

۱- به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند سوخت‌های فسیلی و منابع کافی)

۲- پایدار ساختن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند آب‌های زیرزمینی، خاک و گیاهان)

۳- نگهداشتن حد تولید ضایعات و آلودگی‌ها در میزان ظرفیت و جذب محلی و جهانی (مانند گازهای گلخانه‌ای، مواد شیمیایی نابودکننده اوزون و زباله‌های سمی)

۴- تأمین نیازهای پایه‌ای انسانی و اجتماعی (مانند دسترسی به ابزار معیشت، حق انتخاب، مشارکت در تعیین سونوشت اجتماعی و دسترسی به محیط سالم و خدمات پایه).

براین اساس می‌توان گفت که توسعه پایدار مفهومی شکل یافته نیست، بلکه بیشتر فرآیند دگرگونی رابطه نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را بیان می‌کند. پایداری در عمل معادله‌ای است بین ضرورت‌های زیست‌محیطی و نیازهای توسعه. مفهوم جدید توسعه پایدار، کلی‌نگری است که ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را دربرمی‌گیرد. فرآیند توسعه پایدار دو اصل ناسازگار، یعنی پایداری زیست‌محیطی و توسعه اقتصادی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. درواقع، کنش میان این دو اصل به دو نوع برداشت از توسعه پایدار منتهی می‌شود: ۱- بوم‌محوری: که به اکولوژی جهانی اولویت می‌دهد و ۲- انسان‌محوری: که رفاه و به‌زیستی انسان‌ها را مقدم می‌شمارد (حقیقی، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۰).

توسعه تمامی جنبه‌های زندگی انسان را شامل می‌شود و به‌ناچار فرهنگ نیز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. توسعه محصول یک زنجیره پیوسته از حلقه‌هایی است که این حلقه‌ها، شامل عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... می‌شود و جدانمودن هر حلقه از این زنجیره به‌معنای پایان راه توسعه است. فرهنگ، یکی از عوامل

اصلی در فرآیند توسعه است. زیرا، فرهنگ در تمامی جنبه‌های زندگی انسان حضور دارد: ۱- اگر توسعه در مفهوم جامع مادی و معنوی و فرهنگ نیز مفهوم عام، یعنی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی (از قبیل نگرش‌ها، آداب و رسوم و...) مورد نظر باشد، در این صورت، توسعه و فرهنگ مفاهیم نسبتاً مشترک و متداخلی هستند که تمامی شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرند. بنابراین، از این منظر توسعه مترادف با توسعه فرهنگی است. ۲- اگر توسعه را در مفهوم جامع منظور کرده، اما فرهنگ را در بعد معنوی محدود کنیم، در این حالت، توسعه فرهنگی، یک بعد از فرآیند توسعه است که رابطه تعاملی با بعد دیگر توسعه، یعنی توسعه مادی دارد. توسعه در کشورهای اروپایی مدیون تحولات عمیق فرهنگی است، به‌نحوی که اینگلهارت معتقد است که دگرگونی‌های مهم فرهنگی، انقلاب صنعتی را در غرب آسان ساخت (نخعی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹).

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد بیان می‌کند که "فرهنگ به‌عنوان بخشی از فعالیت، از طریق میراث ملموس و ناملموس، صنایع خلاق و اشکال مختلف بیان هنری، کمک‌کننده قدرتمندی در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی است" (یونسکو، ۲۰۱۳: ۲). فرهنگ و توسعه در دهه ۱۹۷۰ توسط متخصصان مختلف دفاع شد، اگرچه تا دهه ۱۹۸۰ یا حتی ۱۹۹۰ نهادهای بین‌المللی و آژانس‌های همکاری توسعه شروع به ترویج مطالعات و کار برای تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه کردند (یونسکو، ۲۰۱۰: ۲).

توسعه فرهنگی فرآیندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها، باورها و شخصیت ویژه‌ای در آن‌ها به‌وجود می‌آید (کریمی خوزانی، ۱۳۹۵: ۱۰). عده‌ای توسعه فرهنگی را مثبت ارزیابی می‌کنند و عده‌ای دیگر آن را منفی و از بین‌برنده فرهنگ یک ملت نام می‌برند. توسعه فرهنگی عبارت است از: فرآیند ارتقاء و اعتلای شئون

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معدود قوانین اساسی است که اصل امنیت حقوقی به‌صراحت در آن تضمین شده است. بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند. در گستره امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی گسترده تضمین نموده است. این اصل در حوزه‌های گوناگونی زمینه برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را دربرمی‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یک‌دیگر از سوی قوه مؤسس تضمین شده‌اند (ویژه، ۱۳۹۰: ۳۱۲)

اصل امنیت حقوقی بستر این آرمان و غایت را در کنار سایر اصول دیگر فراهم می‌نماید و در هر نظام حقوقی بدون تحقق امنیت حقوقی حمایت مؤثر از حقوق و آزادی‌های فردی محقق نمی‌شود و ثبات نظام حقوقی در هر کشور ثبات روابط حقوقی را به‌دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، امنیت اقتصادی و اجتماعی باعث پیشرفت و توسعه در این خصوص خواهد شد. وجود دولت حقوقی و تضمین حقوق و آزادی‌های آن و به‌طور کلی احقاق حقوق بشر حائز اهمیت است. شهروندان باید به حقوق و تکالیف خویش واقف بوده و بتوانند نتایج اعمال حقوقی خود را پیش‌بینی نمایند. در این مرحله، در نگاه توسعه‌ای به کشور، بعد از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، روبه روی فرهنگ ایرانی اسلامی با فرهنگ متجدد غرب، تضادهای زیادی را در فرهنگ عمومی کشور به‌وجود آورده که توجه مقام معظم رهبری به تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی، ناشی از حمله فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی است و همواره بعد از انقلاب، خلأ کشف تئوری توسعه پایدار با محوریت فرهنگ دینی، مشهود

گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم سازد. مفهوم فرهنگ توسعه ناظر بر شکل اقتصادی و اجتماعی توسعه جوامع است. توسعه‌یافتگی، یعنی فراهم‌آوردن شرایط و امکاناتی برای احاد جامعه تا به شاخص‌های رشد و توسعه جامعه عمل بپوشانند. توسعه فرهنگی نیز به‌معنای ارتقا و اعتلای زندگی فرهنگی جامعه و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی است. در تعریفی دیگر، توسعه فرهنگی را افزایش قدرت و کارآمدی یک فرهنگ در پاسخ‌گویی به نیازهای فرهنگی، معنوی و مادی انسان‌ها دانسته‌اند (نخعی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۹).

۲- پیوند امنیت حقوقی و توسعه فرهنگی

اصل امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام‌های حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد. ریشه این اصل به ویژگی‌هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی باز می‌گردد (موسوی و موسوی‌فر، ۱۴۰۰: ۶۶۱). این اصل دربرگیرنده قواعدی است که به‌مثابه معیارهایی جهت حمایت از حقوق عینی مطرح شده در قوانین هستند و از سوی دیگر، دربرگیرنده قواعدی نیز هستند که متضمن معیارهایی به‌منظور تضمین حق‌های شخصی شهروندان است. بنابراین، در یک تحلیل کلی، این اصل می‌تواند هم‌زمان منبع حقوق عینی و حقوق شخصی باشد (فرومنت^۱، ۱۹۹۶: ۱۷۸). همچنین، در بند ۳ ماده ۹ قانون اساسی اسپانیا به‌صراحت اصل امنیت حقوقی را ذکر و تضمین نموده است که بیشتر قوانین اساسی به این اصل اشاره‌ای صریح ندارند. قوانین اساسی پرتغال، ایالات متحده آمریکا و فرانسه مثال‌های جالب توجهی در این زمینه به‌شمار می‌روند (فاوریو^۲، ۲۰۰۷: ۲۷۹).

1- Fromont

2- Favoreu

بوده است. در اصل ۲۲ به امنیت حقوقی اشاره شده است. دقت در ادبیات اصل ۲۲ نشانگر آن است که امنیت حقوقی بخشی از امنیت انسانی، در مفهوم موسع قلمداد می‌شود. تأمل در مفاد اصل مذکور نیز صحت این تفسیر را می‌نمایاند: کلمه «حقوق» در این اصل بیانگر آن است که حق‌های شهروندان از تعرض مصون هستند و این دقیقاً همان غایت امنیت حقوقی است. در این عرصه، حق‌های مکتسبه افراد در کنار اصولی که متضمن حفظ وضعیت حقوقی شهروندان هستند، مانند اصل عطف بماسبق‌نشدن قوانین، اصل شفافیت قوانین زیرمجموعه‌های امنیت حقوقی را تشکیل می‌دهند (ویژه، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

۳- اصل امنیت حقوقی و گستره اعمال آن

در این مقوله، افرادی قرار دارند که می‌توانند به این اصل و اصول مربوط، به‌منظور حفظ حق‌های خویش، استناد نمایند. از سوی دیگر، نهادهای عمومی قرار دارند که در اعمال صلاحیت‌های خویش (قانون‌گذاری یا اعمال اجرایی) باید این اصل را مد نظر قرار دهند.

اگر امنیت حقوقی به‌عنوان یک حق شهروندی شخصی تلقی گردد، افراد می‌توانند نه تنها در مقابل حکومت، بلکه در مقابل افراد دیگر نیز بدان استناد نمایند. در مقابل، اگر امنیت حقوقی به‌عنوان اصل راهنما تلقی شود، افراد نمی‌توانند در حیطة اختلاف‌های خویش بدان استناد نمایند. اما، در این فرض، اصل امنیت حقوقی در چارچوب اختلاف‌های عینی (اختلاف‌هایی که افراد در دو سوی آن قرار ندارند و در واقع شخصی نیستند) و به‌ویژه در چارچوب صیانت از قانون اساسی بسیار راه‌گشا است (متیو^۱، ۱۹۹۱: ۱۷۵).

به‌نظر می‌رسد که هر دو جنبه مورد بحث، در راستای افزایش بازدهی این اصل، واجد اهمیت فراوانی باشند و باید بین اصول فرعی ناشی از این اصل تفکیک قائل شد. برخی از این جنبه‌ها، مانند عطف بماسبق‌نشدن قوانین، بی‌تردید اصل کلی حقوقی قلمداد می‌شوند و باید

توسط مرجع صیانت از قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته و تضمین شوند. برخی نیز مانند اصل ثبات روابط قراردادی و تضمین حق‌های مکتسبه، توسط اشخاص در روابط حقوقی بین شهروندان قابلیت استناد دارند. در سوی دیگر، نهادهایی وجود دارند که ملزم هستند تا اصل امنیت حقوقی را رعایت نمایند؛ مانند آن‌چه در مورد بهره‌مندان از این اصل مورد بحث قرار دادیم، اگر این اصل را اصلی عینی یا غیر شخصی تلقی نماییم، طبیعی است که قانون‌گذار و نهادهای مجری قانون باید این اصل را رعایت نمایند. باین‌وجود، می‌توان اشخاص حقوق خصوصی را نیز مشمول این اصل دانست (یاوری و پرستش، ۱۳۹۹: ۲۹۸).

در اعمال این اصل نیز، مانند سایر اصول حقوق عمومی، محدودیت‌هایی وجود دارد. در این مقوله، اصل بر تثبیت وضعیت حقوقی شهروندان است و نهادهای ملزم به رعایت این اصل باید در محدود نمودن آن توجیه قابل قبول حقوقی داشته باشند. نخستین و مهم‌ترین این محدودیت‌ها منافع عمومی است. رعایت اصل امنیت حقوقی منافع عمومی را نیز تضمین می‌کند. حفظ وضعیت حقوقی شهروندان، ثبات اجتماعی را نیز به‌دنبال خواهد داشت. هنگامی که اصل امنیت حقوقی به‌عنوان اصلی عینی در نظر گرفته می‌شود، منافع اجتماعی ممکن است که با ثبات وضعیت حقوقی برخی از شهروندان تعارض یابد. در چنین حالتی، در بیشتر نظام‌های حقوقی پیشرفته، نقض امنیت حقوقی را استثناً تلقی نموده و این نقض را در همان محدوده خاص تفسیر می‌نمایند. بی‌گمان، نباید ترجیح منافع عمومی تا جایی گسترش یابد که امنیت حقوقی شهروندان را به‌خطر اندازد (کاناپ^۲، ۱۹۹۱: ۲۶۷-۲۶۸).

محدودیت دیگری که برای مثال، در نظام حقوقی آلمان بر اصل امنیت حقوقی تحمیل می‌شود، انصاف است. باید توجه داشت که گاه رعایت هم‌زمان این دو اصل تعارض پیدا می‌کند و با این‌که تحقق انصاف بدون

ب: اصل انسجام قوانین: اصل انسجام قوانین را از منظر کاربردی از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد: نخست انسجام قانون از منظر خرد، به این معنا که هنجارهای حقوقی مذکور در یک قانون باید از انسجام برخوردار باشند و تناقض یا تضادی میان آن‌ها وجود نداشته باشد (انسجام درونی). دوم، از منظر کلان، انسجام قوانین در نظام حقوقی، به این صورت که هنجارهای موجود در قوانین گوناگون درون نظام حقوقی باید از انسجام کافی بهره‌مند باشند (انسجام بیرونی) (لارالده، ۲۰۰۲: ۱۷).

پ: اصل سهولت دسترسی به قوانین: بدیهی است که قوانین هرچند که از لحاظ شفافیت، قابل فهم بودن و انسجام مناسب باشند تا زمانی که شهروندان به گونه‌ای مؤثر از آنها آگاهی نیابند کارایی لازم را نخواهند داشت. در کشور ما، ماده ۳ قانون مدنی انتشار قوانین و مقررات مصوب را در روزنامه رسمی پیش‌بینی نموده است. امروز، صرف انتشار قوانین و مقررات در روزنامه رسمی کفایت نمی‌کند؛ بلکه، دولت موظف است تا شهروندان تابع خویش را از هنجارهای حقوقی به طرق گوناگون آگاه سازد. این طرق و سازوکارها باید به گونه‌ای طراحی شود تا از اطلاع هرچه بیشتر مخاطبان اطمینان حاصل شود.

ت: اصل اعتماد مشروع: اصل اعتماد مشروع از این جهت با اصل امنیت حقوقی ارتباط می‌یابد که به شهروندان اجازه می‌دهد تا نتایج اقدامات خویش را از نظر حقوقی پیش‌بینی نمایند (سوردت^۱، ۲۰۱۹: ۱۷). در واقع، به‌موجب این اصل، می‌توان گفت که در اثر وجود قابلیت پیش‌بینی نتایج اعمال و وقایع حقوقی، نوعی اعتماد نسبت به نظام حقوقی در شهروندان ایجاد می‌شود یا به بیان دیگر این اصل عبارتی ویژه برای اصل قابلیت پیش‌بینی است که از لوازم اصل امنیت حقوقی محسوب می‌شود (یاوری و پرستش، ۱۳۹۹: ۳۰۲).

وجود امنیت حقوقی غیر ممکن است (یاوری و پرستش، ۱۳۹۹: ۳۰۰). در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تمام محدودیت‌های وارده بر اصل امنیت حقوقی باید با اهمیت این اصل تناسب داشته باشند. این تناسب در مورد منافع عمومی مهم‌تر جلوه می‌نماید. منافع عمومی هم باید به گونه‌ای باشد که محدودیت این اصل مهم را توجیه نماید. مفاد اصل امنیت حقوقی عبارتند از:

۱- اصول ضامن کیفیت قوانین و نظام حقوقی

اصول ضامن کیفیت قوانین و نظام حقوقی اصولی هستند که شاخص‌های محتوای قوانین را از نظر بیان حق‌ها و تکالیف شفافیت دربر دارند و در عین حال حاکم بر هماهنگی کلان آن‌ها با یک‌دیگر و ضامن دسترسی شهروندان به قوانین مذکور هستند. در واقع، اصول فوق ضامن آگاهی شهروندان پیش از ایجاد وضعیت حقوقی خاص برای آن‌ها هستند. اصول ضامن وضعیت حقوقی شهروندان نیز اصولی هستند که شاخص‌های حفظ وضعیت حقوقی شهروندان را ارائه می‌نمایند. این اصول پس از ایجاد وضعیت حقوقی توسط قوانین شفاف، منسجم و قابل دسترسی برای شهروندان، این وضعیت حقوقی را تضمین و مورد حمایت قرار می‌دهند. در این گروه از اصول وجه مشترکی میان همه آن‌ها یافت می‌شود که قوانین برای شهروندان قابل فهم و استفاده باشند و به سهولت بتوانند به آن‌ها دست یابند. چهار اصل فرعی را در این گروه می‌توان ذکر نمود:

الف: اصل شفافیت قانون: برای ایجاد امنیت حقوقی

وجود شفافیت در هنجارها و روابط حقوقی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و گسترش آن، ثبات حقوقی را در پی خواهد داشت. از نقطه نظر فنی، قانون باید به گونه‌ای تدوین شود که کلیه مواد آن کم‌تر نیاز به تفسیر داشته باشند و همچنین نتایج حقوقی اعمال و وقایع حقوقی حوزه قوانین باید در متون آن‌ها قابل پیش‌بینی باشد (فلوکیگر^۱، ۲۰۰۶: ۷۲).

۲- اصول ضامن وضعیت حقوقی شهروندان

الف: اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها: این اصل در زبان فقهی اصل «قیح عقاب بلا بیان» از افتخارهای فقه اسلامی در زمینه اصل امنیت حقوقی به‌شمار می‌رود. نظیر همین قاعده در حقوق موضوعه به اصل «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» موسوم شده است. شهروند باید از بابت عواقب حقوقی اعمال خویش در اطمینان به‌سر برد و دغدغه‌ای از نظر عواقب سوء کیفری اعمال خویش نداشته باشد. قانون وظیفه دارد تا بر مبنای منافع عمومی چارچوب کیفری رفتار اجتماعی شهروندان را مشخص نماید و این چارچوب باید مدون و مشخص باشد و تفسیر موسع آن نیز جایز نیست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل «قانونی بودن جرم» در اصل ۱۶۹ تضمین شده است. در مورد اصل قانونی بودن مجازات‌ها، همان‌گونه که ذکر شد، اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد».

ب: اصل برائت: اصل برائت نتیجه منطقی اصل قانونی بودن جرائم به‌شمار می‌رود. این اصل در امور کیفری کاربرد بسیار دارد و اهمیت فراوان می‌یابد. این اصل در فقه اسلامی سابقه‌ای دیرین دارد و یکی از قواعد معتبر به حساب می‌آید. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل برائت را به‌عنوان اصلی مهم شناسایی نموده است. از آن‌جاکه این اصل تا پیش از احراز وقوع جرم از سوی فرد، وی را بری از تحمل ضمانت اجراهای کیفری می‌داند، در واقع به‌نوعی وضعیت حقوقی فرد را ثابت دانسته، تا این‌که خطای وی اثبات شود. به‌عبارت دیگر، وضعیت حقوقی شهروندان همواره ثابت است و تنها با احراز وقوع جرم از سوی آنان تغییر می‌یابد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۶۷؛ فروتن و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹).

پ: اصل عطف بما سبق‌نشدن قوانین: اصل عطف بما سبق‌نشدن قوانین نیز، مانند اصل برائت، نتیجه منطقی

دیگر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها به‌شمار می‌رود. اصل مذکور نقش مؤثری در تضمین وضعیت حقوقی پیشین افراد دارد. این اصل بر این مبنا استوار شده است که حق‌ها و تکالیف اشخاص باید قابل پیش‌بینی باشد.

ت: اصل احترام به حق‌ها، امتیازها و اختیارهای

مکتسب: امروز، به‌نظر می‌رسد که یکی از عناصر مهم و کلیدی اصل امنیت حقوقی، اصل احترام به حق‌ها و امتیازهای مکتسبه شهروندان باشد. در ادبیات حقوقی کشورمان از این اصل به‌عنوان «حقوق مکتسب» یا «حقوق مثبت» یاد می‌شود که منظور حق‌هایی است که به‌موجب قانون برای شهروندان ایجاد می‌شود. قانون تنها «حق» برای افراد ایجاد نمی‌کند، بلکه گاه «امتیاز قانونی» و گاه «اختیار» برای شهروندان در نظر می‌گیرد که دو مورد اخیر نیز در کنار «حق» به علت این اصل تضمین می‌شوند. قانون‌گذار نمی‌تواند وضعیت‌های حقوقی شهروندان را که در نتیجه تضمین و اعمال حق‌های و آزادی‌های شهروندی آنان حاصل شده است، محدود نماید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۴۶ و ۴۷ به این اختصاص یافته‌اند. اگرچه این اصول مربوط به حق مالکیت و حق‌های فرعی ناشی از آن است، اما با تفسیر وسیع می‌توان آن را به سایر حق‌ها و آزادی‌های شهروندی نیز تسری داد (سیفی زیناب، ۱۳۹۵: ۱۶۵). در وضعیت‌های حقوقی ناشی از اعمال حقوقی به ویژه قراردادهای، قانون‌گذار در این مورد، برای طرفین قرارداد اختیارهای ویژه‌ای را در چارچوب معین پیش‌بینی نموده است که با اعمال آن‌ها از سوی طرفین قرارداد وضعیت حقوقی خاص برای هر یک از آن‌ها ایجاد می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای این اصل جایگاه خاصی را به‌صراحت پیش‌بینی ننموده است و تنها قوانین عادی، به‌ویژه قانون مدنی در مورد قراردادها به این اصل اشاره دارند. اما با توجه

نقشی مهم جهت امنیت پایدار دارد. به همین منظور، چند مورد از نقش توسعه فرهنگی در امنیت حقوقی پایدار که تأثیر دارد، در زیر بیان می‌شود:

۱- مردم‌محوری: مشارکت و سهم‌گیری فعال و تاثیرگذار مردم در عرصه‌های مختلف اقدامی حیاتی، سازنده و مبارک است. اقدامی است که هر جامعه‌ای که توفیق دستیابی به آن را داشته باشد، طعم شیرین آن را چشیده است. فرهنگ، هم زیربنای توسعه و هم عامل آن و هم هدف و نتیجه توسعه تلقی شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران در برخورد با مسائل کلان نظام، از جمله مقوله امنیت به‌خوبی نقش محوری مشارکت فرهنگی مردم را در تحقق امنیت پایدار نشان می‌دهد و دشمنان نیز بر اهمیت این موضوع واقف هستند و به دنبال ناامیدی و شکاف بین مردم و نظام هستند تا بتوانند مردم را به‌عنوان عنصر فرهنگی مهم و محور امنیت پایدار از میدان خارج کنند (بشیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱-۲).

۲- ظرفیت‌سازی: با توجه به این‌که امروز فرهنگ در جوامع ایرانی به‌خصوص نسل جوان بسیار گسترده و ارتباطات آن پیچیده شده است، نیاز به فضاهای عمومی و جمعی کاملاً مشهود و ضروری است. ظرفیت‌سازی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و ... صورت گیرد و تمام قوای نظام، از جمله مجریه، قضائیه و مقننه ظرفیت‌ها و نیازمندی‌های نسل موجود را شناسایی کنند و به‌دنبال راه‌کارهای اساسی جهت استفاده از تمام استعدادها و علایق مردم در زمینه توسعه فرهنگی باشند؛ زیرا، مردم منبع انرژی پایان‌ناپذیر و قوه محرکه جامعه است (سیف‌پور و مفاخر، ۱۳۹۷: ۱).

۳- تولید و بازتولید مستمر و فزاینده فرهنگ امنیت میان لایه‌های گوناگون اجتماعی: در قرن حاضر، با نگاهی به مرزهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی می‌بینیم که با دنیایی دیگر مواجه هستیم که برای شکل‌دادن به یک نظام بین‌المللی به‌شکل وابستگی متقابل هم تهدید و هم فرصت را ایجاد نموده است. بی شک توانایی، عنصر اساسی تحقق اهداف گوناگون انسانهاست.

به اصول حقوقی، رویه‌ی قضایی تا حدی این خلاء را جبران نموده است.

۳- همگون‌شدن فرهنگ‌ها گامی در جهت توسعه فرهنگی و امنیت حقوقی

احکام حقوق ثابت‌شده در شریعت اسلام به همه انسان‌ها به دور از هر رنگ و نژاد و زبان تعلق دارد که از آن به جهان‌شمولی تعبیر می‌شود و امری تردیدناپذیر است، در صورتی‌که غرب به‌دنبال همگون‌سازی است و جهان در پرتو این همگون‌سازی به تمام خواسته‌های غرب تن می‌دهد. غرب به‌دنبال تشکیل اتحادیه‌ها، شوراها، همکاری، تجارت، زبان، فرهنگ، آموزش و حقوق فرهنگی واحد است. اجرای مبانی فکری غرب در دنیا، راهی برای سلطه سرمایه‌داری و کاپیتالیستی غرب است؛ غرب را قادر می‌سازد تا دیکتاتوری ضد انسانیت، بر بشریت تحمیل کند. همگونی در اسلام و مبانی فکری اسلام که از وحی نشأت گرفته است، راه سعادت دنیا و آخرت را برای انسان ترسیم می‌کند و قانونی که از طرف خداوند متعال که آگاه به همه نیازهای انسانی است را برای فرد فرستاده است. از این‌رو، همه‌جانبه و کامل است و همگون‌شدن جهان جهت عزت انسان قرار داده شده است. مبانی غرب ناقص است و نگاه تک بعدی نسبت به بشریت دارد (جاوید، ۱۴۰۰: ۶۴-۶۵).

۴- راهکارهای توسعه فرهنگی جهت امنیت حقوقی پایدار

در چشم‌انداز بیست‌ساله نظام حقوقی ایران، نظامی توسعه‌یافته با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و نیز تأکید بر مردم‌سالاری دینی و عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت، حقوقی اجتماعی و قضایی خواهد بود (دولت‌خواه و یآوری، ۱۴۰۲: ۵). بنابراین، ارائه راه‌کارهایی جهت توسعه فرهنگی به‌منظور ایجاد امنیت حقوقی پایدار ضروری است. توسعه فرهنگی

مسالمت‌آمیز یا از خودبیگانگی آن جامعه تأثیرگذار باشد. اگر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری از خانواده شروع شود و توسط دیگر نهادهای اجتماعی مانند دوستان، مدرسه و فضای اجتماعی و رسانه‌ها تکمیل شود، اساس و پایه نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی هم اساس و پایه امنیت حقوقی پایدار است و تغییرات اجتماعی و تغییر ذائقه‌های اجتماعی نسل جدید هم امری طبیعی است. باید فرآیندهای نظم‌پذیری اجتماعی در کانون توجه سیاست‌گذاران آموزشی و تربیتی قرار گیرد و در میدان عمل، اجرا شود (حسینی و رفیع‌نژاد، ۱۴۰۲: آماده انتشار).

۵- تولید و بازتولید مستمر و فزاینده در فرآیندهای مرتبط با ایجاد وحدت رویه و عدم برخوردی سلیقه‌ای دستگاه‌های مسئول با آسیب‌ها و جرائم حوزه امنیت حقوقی می‌تواند به‌عنوان راهبردی اجتماعی و فرهنگی در اصلاح نظام‌های مدیریتی مورد توجه قرار داد (فاتحی، ۱۳۹۱: ۱۱۶).

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش‌ها بود که توسعه فرهنگی پایدار چیست؟ چه عواملی باعث توسعه فرهنگی پایدار می‌شود؟ و توسعه فرهنگی پایدار چگونه باعث امنیت حقوقی پایدار می‌گردد؟ با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و...، این نتیجه حاصل شد که فرهنگ زمینه‌های کلیدی توسعه ملی و بین‌المللی است که منتهی به آموزش با کیفیت، مدیریت پایدار زیست‌محیطی، شهرهای پایدار، حفاظت از میراث ملموس و ناملموس، هویت، ترویج صلح و گفت‌وگو و تنوع فرهنگی می‌شود و انسجام اجتماعی را نیز بسترسازی می‌کند. در بررسی و تحلیل توسعه پایدار و نقش ابعاد دیگر سیاسی اجتماعی در آن باید اظهار داشت که فرهنگ، حلقه مفقوده توسعه همه‌جانبه بوده و زیربنای توسعه محسوب می‌گردد. جوامع بشری برای رسیدن به توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه زیست‌محیطی، نیاز به شناخت فرهنگ یک جامعه

بدین ترتیب فرهنگ‌گنی، پویا و مولد از یک سوء اهداف، آرمان‌های متعالی، شوق انگیز و شایسته‌ی تلاش و مجاهدت تعیین می‌کند و ازسوی دیگر با ساماندهی صحیح باورها، ارزش‌ها و رفتارهای اعضای جامعه، آنان را قادر می‌سازد تا بتوانند با تکیه برمقدورات و ظرفیت‌های مختلف خود، دست به تولید قدرت و توانایی بزنند و بتوانند امنیت خود را در برابر تهاجمات مختلف حفظ کنند. در نظام اسلامی، دلایل قوام و دوام جامعه عبارت است از فرهنگ غنی و پویای توحید و یکتاپرستی و همچنین توانایی‌های درونی یک جامعه اگر این دو مقوله در دست افراد صالحی قرار گیرد با استعانت از فرهنگ غنی اسلام می‌تواند برای جلوگیری از آماج تهدیدات برای افراد جامعه خود استفاده کند. اگر مقوله امنیت با همه زوایا، ابعاد و سطوح آن برای مردم، مسئولان و نخبگان فکری و اصحاب رسانه‌ها به عنوان امری فرهنگی تلقی شود. مقوله‌ای که از یک سو، برخاسته از نیازهای درونی و ضروری آن‌هاست و باید در چارچوب مبانی معرفت دینی و فرهنگ ملی وابسته متناسب با واقعیت‌های اجتماعی تولید و بازتولید بدانند و بی‌اعتنا از کنار آن عبور نکنند، که تولید فرهنگ امنیت در میان لایه‌های گوناگون اجتماعی تحقق خواهد یافت و هنگامی این فرهنگ نهادینه شد، باعث امنیت پایدار اجتماعی است و فرهنگ محور می‌شود (کورانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱).

۴- تولید و بازتولید مستمر و فزاینده فرآیندهای نظم اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری: فرهنگ‌پذیری متأثر از جوامع دیگر می‌تواند آسیب‌هایی به دنبال خود داشته باشد و مدام در جدال با از خودبیگانگی آگاهانه یا ناآگاهانه قرار گیرد. به همین دلیل، جامعه‌شناسان، آسیب‌شناسان و رسانه‌ها باید نقش خود را به‌درستی ایفا کنند و شکل‌های هم‌کنشی آن فرهنگ را مورد ارزیابی قرار دهند و به یک بازتولید فرهنگی برسند؛ چراکه، بازتولید فرهنگی توسط هنجارهای مختلف اجتماعی می‌تواند در هم‌زیستی

بعدی نسبت به بشریت دارد. نظام اسلامی و قوای سه‌گانه کشور باید تلاش کنند تا راه‌کارهایی که زمینه‌ساز امنیت پایدار در جامعه است را فراهم کنند و از تمام ظرفیت‌ها و استعدادها در جهت تولید و بازتولید فرهنگ، نظم اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و ایجاد وحدت استفاده کنند و برای تقویت نهادها و سازمان‌هایی که در حوزه امنیت عمومی یا اجتماعی فعالیت دارند، کوشش داشته باشند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که توسعه فرهنگی مبتنی بر تعالیم و حیانی می‌تواند در جامعه ایفای نقش کند و در جهت تحقق امنیت حقوقی تأثیرگذار باشد.

مبتنی بر آنچه گفته شد، پیشنهاد می‌گردد:

- جهت توسعه فرهنگی باید به مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی توجه بیشتری نشان داده شود تا بتوان به امنیت حقوقی پایدار دست یافت.
- تقویت بعد معرفتی در زمینه توسعه فرهنگ که از نگاه مردم و بینش آن‌ها به هستی سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند نقش مهمی در امنیت حقوقی پایدار داشته باشد.
- تقویت بعد ارزشی فرهنگ که از طریق نمادسازی صورت می‌گیرد در گسترش امنیت حقوقی مؤثر است.
- هر یک از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توجه به رسالت سازمانی و مأموریتی که در پیش رو دارند، گام مؤثری برای تثبیت ابعاد توسعه فرهنگی به منظور افزایش تحقق امنیت حقوقی پایدار بردارند و به‌جای صرف وقت و هزینه‌های عملیاتی، با بسترسازی‌های مناسب در ابعاد کلان فرهنگی، امنیت حقوقی را علاوه بر استمرار، توسعه و ارتقاء دهند.

تقدیر و تشکر

به این وسیله مراتب سپاس خود را به تمامی کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری دادند، تقدیم می‌داریم.

دارند و ویژگی‌های فرهنگی می‌تواند عامل مهمی در ارزیابی مناسب از آن جامعه شود. با افزایش سطح آگاهی‌های افراد جامعه، اعتلای سطح فرهنگ عمومی میسر خواهد شد که نتیجه آن می‌تواند توسعه فکری فرهنگی و توسعه سیاسی را به دنبال داشته باشد که نمونه‌ای از آن رسیدن به امنیت حقوقی است.

امنیت حقوقی با مفهوم خود امنیت ارتباط تنگاتنگی دارد و مجموعه‌ای از اصول فرعی را دربرمی‌گیرد که غایت مشترک همه آن‌ها اعتماد به قانون و نظام قضایی از سوی شهروندان و درنهایت ایجاد امنیت قضایی و حقوقی است. اعمال این اصول فرعی در کنار اصل امنیت حقوقی باعث می‌شود که شهروندان از چارچوب روابط خویش مطلع بوده و نوعی اطمینان خاطر و احساس امنیت از لحاظ حفظ حقوق را به دست آورند. در یک تقسیم‌بندی، می‌توان این اصول فرعی را به دو دسته تقسیم نمود: نخست، به کیفیت اعمال حقوقی و تکالیف مربوط می‌شوند، مانند اصل شفافیت، اصل قابلیت دست‌رسی، اصل کارایی و نیز اصل قابلیت تأثیرگذاری هنجارهای حقوقی و به بیان دیگر تضمین و اعمال این اصول موجب می‌شود که حقوق و تکالیف مصرح در قانون با کیفیت بالاتری مطالبه و اجرا شوند. گروه دیگر از اصول، اصولی هستند که به لزوم قابل پیش‌بینی بودن حقوق بازمی‌گردد و باعث ایجاد یک نظام حقوقی می‌شود که شهروندان از حقوق خود آگاهی داشته باشند و تبعات اجرای آن حقوق را پیش‌بینی کنند. اصل عطف بامسبق‌نشدن قوانین، اصل حمایت از حقوق مکتسبه، اصل اطمینان قانونی و اصل ثبات روابط قراردادی، از جمله این اصول است. از این‌روست که باید جهت نیل به این مقصود از خلاقیت‌های انسان در جهت رشد میراث معنوی و فرهنگی خود در دنیای حاضر بهره‌گرفت و به گسترش و تقویت آن دسته از رفتارهای فرهنگی که برآمده از ارزش‌های اسلامی بومی و ملی است، پرداخت تا بتوان گامی در جهت جهانی کردن فرهنگ خود برداشت؛ زیرا، اسلام همه‌جانبه و کامل است و همگون‌شدن جهان جهت عزت انسان قرار داده شده است، اما مبانی غرب ناقص است و نگاه تک

منابع

۱. آقابابایی اردکانی، الهه و جعفری، محمدحسین (۱۴۰۲). حق امنیت فردی در قانون اساسی ایران. سومین کنفرانس بین‌المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران، ۲۳-۱. <https://civilica.com/doc/1848360/>
۲. براتی، ناصر (۱۳۷۷). توسعه‌ی فرهنگی پایدار، برنامه‌ریزی و بودجه، ۲ (۱۲)، ۸۶-۷۱. <https://jpbud.ir/article-1-801-fa.html>
۳. بشیری، عوض؛ فاتح عسگر خانلو، بهرام؛ فخریمی، نقی و شفایی اجیرلو، جمال (۱۳۹۵). نقش و شیوه مشارکت مردمی در توسعه فرهنگی. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، ۲۴-۱. <https://civilica.com/doc/516788/>
۴. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، ۲۴-۱. <https://civilica.com/doc/516788/>
۵. بهزادی، کامران؛ رضوی، حمیدرضا و امام‌قلی زاده (۱۴۰۱). شناسایی مولفه‌های توسعه فرهنگی در سیاستگذاری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲۴، ۱۰۸۷-۱۰۷۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1997877/>
۶. پناهی، محمدحسین (۱۳۹۴). توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲۲، ۲۴-۱. <https://ensani.ir/fa/article/347209/>
۷. جاوید، محمدجواد (۱۴۰۰). از تنوع فرهنگی تا مهندسی فرهنگی؛ چالشی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۲ (۵۱)، ۴۷۳-۴۵۵. https://www.sid.ir/paper/1052304/fa#download_bottom
۸. حسینی، علی و رفیع‌نژاد، زهرا (۱۴۰۲). فرهنگ‌پذیری در بستر عقلانیت در جهت رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز (با رویکرد عقلانیت ارتباطی هابرماس). جامعه فرهنگ رسانه، ۱۲ (۴۸)، آماده‌ی انتشار. https://www.jscm.ir/article_109395.html
۹. سیف‌پور، علیرضا و مفاخر، فرشاد (۱۳۹۷). تاثیر فضاهای فرهنگی بر ارتقا سطح فرهنگ. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، ۱۰-۱. <https://civilica.com/doc/847165/>
۱۰. دولت‌خواه کمال‌الدین و یاوری، اسدالله (۱۴۰۲). سیر تکاملی از حقوق زیستی به حقوق اجتماعی و شهروندی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران. مطالعات فرهنگی پلیس، ۲ (۱۰)، ۱۲-۱. http://hamedan.jrl.police.ir/article_100622.html
۱۱. فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تأکید بر گفتمان انقلاب اسلامی. آفاق، ۵ (۱۱)، ۱۱۸-۱۰۱. https://journals.ihu.ac.ir/article_200408.html
۱۲. فتاحی اردکانی، حسین (۱۴۰۲). نقش فرهنگ و توسعه فرهنگی در توسعه پایدار. اولین همایش ملی آینده پژوهی در فقه، حقوق و علوم سیاسی، ۱۱-۱. <https://civilica.com/doc/1692820/>
۱۳. فروتن، مصطفی؛ شاکری، یاسر و فیلونندی، خلیل (۱۳۹۶). اصل برائت در حقوق کیفری ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی. اندیشمند/حقوق، ۱۳، ۷۷-۵۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1258850/>
۱۴. فرهادی، محمد؛ عباسی قادی، مجتبی و دیانت، محسن (۱۴۰۰). بررسی و مقایسه شاخص‌های توسعه فرهنگی کشورهای آسیای میانه عضو گروه اسلام‌گرایی افراطی (مورد مطالعه: گرایش به داعش)، امنیت ملی، ۱۱ (۴۱)، ۲۹۹-۲۶۷. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2067642/>
۱۵. فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷). اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن. پژوهش دینی، ۳۶، ۱۸۲-۱۶۵. <https://www.sid.ir/paper/360197/fa>
۱۶. کریمی خوزانی، علی (۱۳۹۵). احصاء راهبردهای توسعه فرهنگی پلیس در تحقق نظم ارگانیک (مطالعه تحقیق‌پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی با نگاه نظری

- https://books.google.com/books/about/Droit_de_s_libert%C3%A9s_fondamentales.html?id=ULf3BgAAQBAJ
25. FLÜCKIGER, André, (2006). Le principe de clarté de la loi ou l'ambiguïté d'un idéal, Les Cahiers du Conseil Constitutionnel. <https://www.conseil-constitutionnel.fr/nouveaux-cahiers-du-conseil-constitutionnel/le-principe-de-clarte-de-la-loi-ou-l-ambiguite-d-un-ideal>
26. FROMONT, Michel, (1996). Le principe de sécurité juridique », Actualité Juridique de Droit Administratif, n° spécial. <https://www.erudit.org/fr/revues/notariat/2008-v110-n2-notariat03643/1045549ar.pdf>
27. Giessman, Hans J.; Karima Bennoune, Lewis M. (2023). Culture In Security (International Cultural Relations as an Enabler of Peace through Engagement), Policy Brief. https://research.gold.ac.uk/id/eprint/33152/1/ICRRA_PolicyBrief_2023_Culture_in_Security.pdf
28. KNAPP, Blaise, (1991), Constitution et sécurité juridique, Suisse, Annuaire Internationale de la Justice Constitutionnelle. https://www.persee.fr/doc/aijc_0995-3817_2000_num_15_1999_1558
29. LARRALDE, Jean Michel, (2002), Intelligibilité de la loi et accès au droit, Les Petites Affiches. <https://www.labase-lextenso.fr/petites-affiches/PA200223103>
30. MATHIEU, Bertrand, (1991), Constitution et sécurité juridique, France, Annuaire Internationale de la Justice Constitutionnelle. https://www.persee.fr/doc/aijc_0995-3817_2000_num_15_1999_1551
31. Olzacka, E. (2023). The development of Ukrainian cultural policy in the context of Russian hybrid aggression against Ukraine. International Journal of Cultural Policy. <https://doi.org/10.1080/10286632.2023.2187053>
32. Sordet. J (2019). La carence de l'administration en droit administratif français. Droit. Université d'Orléans, 2019. Français. ffNNT : 2019ORLE3188. <https://theses.hal.science/tel-03977786v1>
33. UNESCO (2010). The power of culture for development. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000189382> Retrieved 12/07/21
۱۷. به رویکرد مردم‌گرا در توسعه نوین و نظریه پلیس جامعه‌محور). مطالعات فرهنگی پلیس، ۳ (۳)، ۱۲۲-۱۰۱.
- http://hamedan.jrl.police.ir/article_17268.html
۱۸. کورانی، محمود؛ عباسی، ثریا و عباسی، فاطمه (۱۳۹۴). فرهنگ و امنیت ملی. اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)، ۱۸-۱.
- <https://civilica.com/doc/402563/>
۱۹. منتظری، احمد؛ باصری بابک، فقیه‌حیبی علی و بهنیا، مسیح (۱۳۹۸). بررسی نسبت تنوع فرهنگی در ایران و حقوق بشر. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام، ۴ (۹)، ۲۲۵-۱۸۹.
- <https://priw.ir/article-1-1016-fa.pdf>
۲۰. موسوی، سید فضل‌الله و موسوی‌فر، سیدحسین (۱۴۰۰). «امنیت حقوقی» در حقوق بین‌الملل؛ مفهوم و جایگاه. مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، ۲ (۵۱)، ۶۷۳-۶۶۱.
- <https://www.sid.ir/paper/1052301/fa#downloadbottom>
۲۱. ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی. راهبرد، ۲ (۵۸)، ۱۳۰-۹۵.
- <https://www.sid.ir/paper/89072/fa>
۲۲. یاور، اسداله و پرستش، رضا (۱۳۹۹). امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در پرتو تضمینات عدالت رویه‌ای، حقوق کیفری، ۲ (۱۱)، ۳۲۱-۲۹۷.
- https://jol.guilan.ac.ir/article_4530_e60b1178e9afe00e196ee4f745d03f38.pdf
23. Amalu, N. Jack-Rabin. Y & Kalu Udeh. M (2023). Cultural Security and National Development in Nigeria, 1960-2020. A Journal of Contemporary Research. <https://www.ajol.info/index.php/lwati/article/view/246893>
24. FAVOREU, Louis, GAÏA, Patrick, GHEVONTIAN, Richard, MÉLIN-SOUCRAMANIEN, Ferdinand, PFERSMANN, Otto, PINI, Joseph, ROUX, André, SCOFFONI, Guy, TREMEAU, Jérôme (2013). Droit des libertés fondamentales, 4e éd., Paris, Dalloz.

34. UNESCO(1990).18 World Decade for Cultural Development.
<http://unesdoc.unesco.org/images/0008/000852/08529eb.pdf>,199 0. Retrieved on 12/07/21
35. UNESCO (2013). 37 C/4: Medium-Term Strategy (2014-2021).
<http://unesdoc.unesco.org/images/0022/002200/220031e.pdf> Retrieved on 13/07/21
36. Widlak, T. H (2015), From International Society to International Community: The Constitutional Evolution of International Law. Gdansk, University of Gdansk.
https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2707814

